



یادداشت

تعرض به حریم گودین تپه؛ دفن تاریخ کهن کنگاور زیر پروژه غسالخانه خطر در کمین میراث هفت هزار ساله

در میانه دشت‌های آرام و پهناور کنگاور، جایی که هر مشت خاکش بوی تاریخ و تمدن می دهد، تپه‌ای خاموش اما زنده، هنوز نفس می کشد. گودین تپه یکی از کهن ترین محوطه‌های باستانی ایران است، تپه‌ای که بیش از هفت‌هزار سال پیش انسان‌هایی در آن زندگی می کردند، ابزار ساختند، آیین بر پا کردند و نخستین نشانه‌های شهرنشینی را شکل دادند. اما امروز در سکوتی سنگین، همین تپه به تدریج زیر سایه بی‌توجهی و ساخت‌وسازهایی فرورفته که بی‌هیچ درکی از شان تاریخی‌اش حریم آن را نشانه گرفته‌اند.

کرمانشاه و فرمانداری کنگاور که طبق قانون موظف به نظارت بر اجرای ضوابط حفاظتی هستند، اجازه چنین پروژه‌ای را صادر کرده‌اند؟ و چرا مجلس و کمیسیون فرهنگی در برابر این تخلف آشکار، سکوت کرده‌اند؟

تاریخ، قربانی بی‌توجهی اداری
گودین تپه تنها یک خاک‌تپه باستانی نیست، گواهی است بر آغاز تاریخ شهرنشینی در فلات ایران. هر وجب از خاک آن، حاوی سقالی است که می‌تواند فصلی تازه از تمدن این سرزمین را آشکار کند اما در نبود نظارت و مدیریت، همین خاک هفت‌هزارساله به تدریج زیر چرخ لودرها و دیوارهای سیمانی دفن می شود.

وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور و معاونانش که هیچ سابقه مر تبیطی به ماموریت‌های این وزارتخانه ندارند، نه تنها باید ساخت غسالخانه را فورا متوقف کنند، بلکه موظف هستند محدوده حریم و عرصه گودین تپه را مجددا با همکاری باستان شناسان و شورای عالی معماری و شهرسازی بازنگری و تثبیت کنند. همچنین باید طر حسی جامع برای حفاظت، ایجاد مسیر دسترسی مناسب، تابلوگذاری چندزبانه و تبدیل محوطه به یک پایگاه میراث ملی تدوین شود.

گودین تپه، اگر در دست مدیران دلسوز و آگاه بود، می توانست امروز به یکی از مراکز گردشگری و پژوهشی مهم غرب ایران تبدیل شود، اما اکنون در سایه بی‌توجهی، نه نمادی از فراموشی و ناکارآمدی بدل شده است. در کشوری که تاریخ، سرمایه اصلی هویت آن است، بی‌توجهی به میراث، بی‌توجهی به خود ماست، گودین تپه هنوز نفس می کشد، هنوز در دلش رازهایی نهفته است، اما اگر امروز اقدامی نشود، فردا دیگر نه تپه‌ای می‌ماند و نه رازی برای گفتن. ساخت غسالخانه در کنار چنین اثر بی‌همتایی، تنها یک اشتباه اجرایی نیست، نماد آشکار سقوط درک فرهنگی و بی‌اعتنایی نهادی به تاریخ ایران است. وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری باید پاسخ دهد که چند گودین تپه دیگر باید قربانی بی تدبیری شود تا اهمیت میراث درک شود؟ و چه زمانی قرار است از شعار حفاظت، به عمل واقعی برسیم؟ تاریخ، فرصت دوباره نمی دهد. اگر امروز از گودین

دفاع نکنیم، فردا تنها در کتاب‌ها باید دنبال آن بگردیم.



استحاله لایحه منع خشونت علیه زنان در سایه قانون حجاب و عفاف

واژه غیرت در سایه حذف خشونت

برخی از نمایندگان مجلس تلاش می کنند با گنجاندن مفاد حجاب و عفاف در لایحه منع خشونت علیه زنان، ماهیت حمایتی آن را به ابزاری کنترل‌ی تبدیل کنند

در روزهای اخیر، انتشار خبرهایی از راهروهای مجلس شورای اسلامی درباره تلاش برخی نمایندگان برای گنجاندن مفاد قانون «عفاف و حجاب» در لایحه «منع خشونت علیه زنان» موجی از واکنش‌ها را بر گراز شد که سال‌ها مسئولیت‌های مهم و دقت مضاعف به خرج دهد. جمله‌هایی که از در میان فعالان مدنی و حقوقی برانگیخت. نخستین بار این موضوع از سوی مریم باقی، فعال حقوق زنان و دانش آموخته حقوق، مطرح شد. او خبر داد که برخی از نمایندگان‌ی که ایده پرداز اصلی لایحه حجاب و عفاف بوده‌اند، پس از تعلیق اجرای آن، تصمیم گرفته‌اند بخشی از محتوای آن را در قالب لایحه منع خشونت علیه زنان دوباره مطرح کنند...



موسیقی امروز مرا غافلگیر نمی کند

اگر سود موسیقی دردست آدم‌های درست باشد، ایران روی صحنه جهان می درخشد

کشور نقش داشته و نقشی در تدوین با امضای سیاست‌های کلان ایفا کرده است، می‌بایست در انتخاب واژگان و سنجش پیامدهای زبانی‌اش دقت مضاعف به خرج دهد. جمله‌هایی که از زبان او خارج می شوند، می‌تواند برادشت‌های سیاسی، روانی و نمادین ایجاد کنند و این مسئولیت‌پذیری کلایی از او مورد انتظار است. اشتباهی که اینجا رخ داد، به کارگیری عبارت دوگانه‌ای خوانده می‌شود. از یک سو نشانه عدم تحمل نقد است و از سوی دیگر ناخواسته می‌تواند کوچک کردن فرقی باشد که باید میان مخالف داخلی و دشمن خارجی قائل شد. نقد رفتارهای عمومی مقامات و نخبگان از حق جامعه است. این نقدها به‌عنوان بخشی از ساز و کار بازخورد اجتماعی می‌تواند به شفاف‌سازی، پاسخگویی و بهبود الگوهای رفتاری منجر شود. وقتی پاسخ یک مقام با الفاظی پرخورد می‌شود که بهار خصمانه و شخصی دارد به طور قطع در فضای گفت‌وگو در کشور تاثیر منفی می‌گذارد و فرصت بازسازی اعتماد را ازایل می‌کند. به‌ویژه اینکه در سیاست کشور، بازسنجی رسمی همواره به عنوان پایان نفوذ یا حساسیت عمومی نیست. افراد صاحب نام مانند شمعانی کماکان تحت ذیل قضاوت عمومی قرار دارند و باید محتوای گفتار و کردارشان را در باک این واقعیت هماهنگ سازند. نظار می‌رود که پاسخ متناسب، شفاف و متین از سوی کسانی که سابقه و منش سیاسی و در مورد اخیر سابقه امنیتی دارند ارائه شود. عذرخواهی صریح در صورت نیاز، شفاف‌سازی در باره پرسش‌هایی که حول شخصیت دبیر پیشین امنیت ملی کشور شکل گرفته می‌تواند بحث را به بستری عقلانی‌تر بکشد. آنچه از این ماجرا بر جای می‌ماند، دو درس ساده اما مهم است. اول، حریم خصوصی خانواده‌ها محترم است و انتشار تصاویر خصوصی باید با احتیاط و احترام مدیریت شود. دوم، زبان سیاست‌ورزی و حتی زبان پاسخ به نقدها باید با ملاحظات اخلاقی و پیامدی همراه باشد. تکرار عباراتی که در بستر جنگ یا تهدیدهای خارجی معنایی دیگر داشتند، وقتی در مواجهه با هموطنان استفاده می‌شوند، می‌تواند به سوعر داشت و تشدید تنش میان حکومت و جامعه بینجامد. موضوع مهمی که در عرصه‌های حساس ملی کمتر از هر زمان دیگری به نفع کشور است.

به مناسبت سالروز درگذشت ساموئل خاچیکیان پدر سینمای جنایی ایران



تصمیم‌های کلان حاکمیت دلیل افزایش قیمت کالاهاست

رویای آزادسازی واردات لوازم خانگی

بیش از هفت سال از ممنوعیت واردات لوازم خانگی می گذرد؛ تصمیمی که هم رقابت را کشته و هم خرید مردم را

زن جوان که متهم بود با همدستی مرد غریبه شوهر خود را کشته، اتهامش را گردن نگرفت

مسمومیت مرگبار شوهر بعد از خیانت همسرش

تحقیقات پلیس از اختلافات خانوادگی و رابطه پنهانی لادن با مردی به نام یاسر پرده برداشت و از اینجا فرضیه جنایت قوت گرفت

پاسخ نماینده یونسکو در ایران به «هفت صبح» درباره ساخت‌وساز در حریم تخت جمشید

به شدت نگران هستیم

یونسکو سه نامه هشدار به ایران فرستاده و نگران تاثیر طرح توسعه مرودشت بر حریم تخت جمشید است



سر مقاله

در نقد واکنش تند علی شمعانی نسبت به منتقدانش مسئولیت کلامی مقامات

آنچه باعث شد این عروسی حساسیت بالای افکار عمومی را به خود جلب کند، نحوه برگزاری مراسم است. این مراسم از سوی فردی حساس در کشور بر عهده داشته و از او انتظار می‌رود همان‌طور که شعار ساده‌زیستی، حفظ ارزش‌های اسلامی و اخلاقی را در برنامه‌ها و سخنانش مطرح می‌کند، در عمل نیز به این اصول پایبند باشد. فیلم‌های منتشر شده از مراسم، تصویری متفاوت ارائه می‌دهد و بسیاری احساس کردند با آنچه او در طول سال‌ها به عنوان ارزش‌ها و اصول خود تبلیغ کرده، همخوانی ندارد. این تضاد میان شعارها و آنچه در عمل رخ داده، باعث شد تا موضوع بیش از یک جشن خانوادگی ساده دیده شود و به سوز‌های برای نقد و بحث عمومی تبدیل شود. اما مسئله مهم از زاویه این متن، نوع مواجهه یک چهره پیشین امنیتی با انتقادها بود. آقای شمعانی می‌توانست از فرصت استفاده کرده و پاسخ رسمی، منطقی و آرامی ارائه دهد. متلاطم برخورد می‌شود که حضور او صرفاً مقطعی و خانوادگی بوده، انتشار این فیلم از سوی او نبوده و نشر آن را نامناسب بداند، اگر برخی از محتوای منتشر شده به احساسات عمومی آسیب زده است عذرخواهی کند و تاکید کند که به اصول اخلاقی پایبند است. پاسخی در چنین چارچوبی علاوه بر آرام کردن فضای عمومی، نشان دهنده درک مسئولیت‌پذیری و حساسیت نسبت به تاثیر سخنان و اقدامات یک شخصیت عمومی بود. اما آقای شمعانی در مقابل، انتخاب عبارتی که پیش‌تر در مواجهه با تهدیدهای خارجی به‌ویژه خطاب به رژیم اسرائیل به کار برده است را برزبان راند. همین سخن باعث شد تا نوعی ابهام پدید آید. آیا منتقدان داخلی را با دشمنان خارجی معادل گرفته است؟ شمعانی هنگامی که از ترور اسرائیل جان سالم به در برد، خطایش به آن کشور بوده است. حال پرسش اینجاست که آیا منتقدان داخلی او که به نحوه برگزاری عروسی دخترش توجه کرده‌اند، برای او معادل نیروهای اسرائیلی هستند؟ آیا واقعا ممکن است کسی که سال‌ها در پست‌ها و مسئولیت‌های حساس بوده، معنای گفته‌های خود را نادیده بگیرد یا از آن بی‌خبر باشد؟ وظایف یک مقام امنیتی، حتی پس از خروج از پست رسمی، تنها کاربرد نظامی یا اطلاعاتی ندارد. بخشی از کارکرد چنین افراد، نمایاندن یک استاندارد رفتاری خاص است. کسی که سال‌ها در رده‌های بالای تصمیم‌گیری امنیتی

افشین امیرشاهی سردبیر

حواشی مربوط به مراسم عروسی دختر علی شمعانی، دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی همچنان ادامه دارد و واکنش‌های زیادی را در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی برانگیخته است. حواشی این رویداد را جایی آغاز شد که ویدیویی کوتاه از حضور شمعانی در بخش زنانه مراسم عروسی دخترش منتشر شد.

طبق رسم رایج در بسیاری از عروسی‌های سنتی کشور، داماد، پدر عروس، برادرها و برخی نزدیکان برای لحظاتی وارد قسمت زنانه می‌شوند تا مراسم دست‌په‌دست کردن عروس و داماد انجام شود و سپس بلافاصله خارج می‌شوند.

اتفاقی که در این مراسم رخ داده نیز همین بود. اما انتشار همین بخش کوتاه از مراسم با نقدها و تفسیرهای فراوان در فضای عمومی کشور همراه شد. تقریباً تمام رسانه‌ها، چه منتقد و چه مدافع از زاویه‌ای به موضوع پرداختند و درباره آن تحلیل نوشتند. قصد نداریم به این موضوع ورود کنیم. چون از زاویای گوناگون به این مسئله پرداخته شده و نکته تازم‌ای برای گفتن باقی نمانده است. اما آنچه باعث شد این نقد نوشته شود، نه خود مراسم که جملگی از علی شمعانی بود که موجب شد چند نکته را ذکر کنیم. یعنی نخستین واکنش علی شمعانی به منتقدان عروسی دخترش بود که گفته حرام‌زاده‌ها من هنوز زنده‌ام. دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی در حاشیه مراسم ختم سردار افشار در واکنش به حواشی ایجادشده درباره ویدیوی جنجالی مراسم عروسی دخترش گفت: «پاسخم به حواشی اخیر همان محتوای قبل است؛ حرام‌زاده‌ها، من هنوز زنده‌ام.»

اگر از منظر آیین‌های اجتماعی به ماجرا نگاه کنیم، شکل برگزاری عروسی‌های غیرمختلط که بخشی از فضای فرهنگی و مذهبی کشور محسوب می‌شود، برای بسیاری آشنا و پذیرفته است. حضور گواه والدین در قسمت زنانه، تبریک و همراهی خانواده با جشن عروسی معمولاً روالی شخصی و خصوصی تلقی می‌شود و انتشار بخش‌هایی از آن به شکل عمومی می‌تواند واکنش‌های متفاوتی را برانگیزد. هم از سمت کسانی که انتشار فیلم‌های خصوصی را ناپسند می‌دانند و هم از سمت کسانی که حساسیت کمتری به این موضوع نشان می‌دهند. بنابراین در درجه اول خود مراسم و نحوه برگزاری آن چندان نواورانه یا شگرف نیست.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



گنجینه جین هکمن زیر چکش حراج

کلکسیون شخصی جین هکمن، ستاره افسانه‌ای سینمای آمریکا، به‌زودی زیر چکش حراج می‌رود. در میان این مجموعه، فیلمنامه‌های دست‌نویس، پوسترهای نایاب، یادگارهای صحنه، کتاب‌های حاشیه‌نویسی‌شده و سه جایزه گلدن گلوب او نیز به چشم می‌خورد، یادگاری از مردی که نامش با نقش‌های ماندگار و حضور کاربزماتی‌ک بر پرده‌نقره‌ای گره خورده‌است. هکمن که با فیلم‌هایی چون «روزی روزگاری در آمریکا» و «هوزرها» به اوج شهرت رسید، در فوریه گذشته در ۹۵ سالگی از دنیا رفت. او در سال‌های پایانی عمر، در خانه‌اش در سانتافه ایالت نیومکزیکو و در کنار همسرش بئسی آراکاوا زندگی آرامی را می‌گذراند و به جمع‌آوری اشیای هنری، به‌ویژه آدینه‌ها، علاقه‌ای وسواس‌گونه داشت. به گفته اندرو هوبر، رئیس بخش هنر قرن بیستم و بیست‌ویکم در خراج‌خانه بونهامز، این بازیگر بزرگ «با دقت و حساسیتی بی‌نظیر» کلکسیون آینه‌های خود را جمع‌آوری کرده بود. او این مجموعه را «نمایانگر ذهن منظم و ذوق زیبایی‌شناسانه هکمن» توصیف کرده و می‌گوید: «در هر قطعه، ردپایی از روح او پیداست؛ ترکیبی از نظم، احساس و نگاهی عاشقانه به جزئیات.» نخستین حراج آثار هنری هکمن قرار است در ۱۹ نوامبر در نیویورک برگزار شود و پس از آن، دو مزایده مجازی دیگر نیز در راه‌است؛ از ۲۱ تا ۲۸ نوامبر و از ۲۵ نوامبر تا ۲ دسامبر. در این رویداد، سه گلدن گلوب ارزشمند او نیز به فروش گذاشته می‌شود؛ یکی برای نقش فراموش‌نشدنی‌اش در «تابخشوده» (۱۹۹۳)، دیگری برای «خانواده اشرافی تننهام» (۲۰۰۲) و سومی جایزه افتخاری سال ۲۰۰۳ که به پاس یک عمر فعالیت هنری به او تعلق گرفت. پایان زندگی هکمن و همسرش، همچون برخی از فیلم‌های تلخ و تراژیک دوران کاری او، پریاهام بود. در ابتدا مرگ این زوج «مشکوک» گزارش شد، اما بررسی‌های پزشکی نشان داد که جین هکمن بر اثر حمله قلبی ناشی از آلزایمر پیشرفته جان باخته و آراکاوای مدتی پیش از او در اثر بیماری نادر ویروسی در گذشته بود.

همه چیز، حتی شلوار و نوشابه هم در آمریکا سیاسی شده است

آمریکازیرپوست سیاست



از آمریکای امروز، حتی شلوار چین هم سیاسی است. پوشیدن «لیوایز» نشانه گرایش لیبرال و «ژنگلر» یادآور محافظه‌کاری است. نوشیدنی‌ها نیز تقسیم‌شده‌اند: آبجوی «هاینکن» برای چپ‌ها و «کورس» برای راست‌هاست. گفش‌های باز و سبک «سپیرکن‌استاک» نماد آزادی‌خواهان است و چکمه‌های گاوچرانی، امضای هواداران دونالد ترامپ. در روزگاری که سیاست به میدان نفرت بدل شده و حتی خشونت سیاسی عادی می‌نماید، فراموش کردن روزهایی که آمریکایی‌ها با آرامش سیاسی زندگی می‌کردند دشوار است. در دهه ۱۹۵۰، سیاست در آمریکا چندان حرارت نداشت. آن قدر که انجمن علوم سیاسی این کشور از احزاب خواست تفاوت‌های خود را پررنگ‌تر کنند تا مردم نسبت به وقایع و امور حساس‌تر شوند و «انتخابی واقعی» داشته باشند.

از آرامش دهه پنجاه تا آتش سیاست امروز

در آن زمان، بی‌تفاوتی سیاسی نشانه رضایت عمومی دانسته می‌شد. اما حالا، پس از چهار نسل، جامعه‌ای پدید آمده که در آن هر چیز رنگ جناحی گرفته است؛ از غذای روی میز تا ایمان در دل. پژوهش‌ها نشان می‌دهد دلیل اصلی این دوقطبی نه فقط عملکرد سیاستمداران یا رسانه‌ها، بلکه آن است که وابستگی سیاسی برای بسیاری از آمریکایی‌ها به بخشی از هویت شخصی‌شان بدل شده است. در سال ۲۰۲۴ تنها ۳۰ درصد مردم خود را «دموکرات یا جمهوری خواه سرخست» معرفی کردند، اما تأثیر سیاست از شمار احزاب فراتر رفته است. گرایش سیاسی دیگر تنها به رأی دادن یا نظر دادن درباره مالیات و مهاجرت محدود نیست؛ بلکه در انتخاب دوست، همسر، محله و حتی دین نقش دارد. سیاست‌چنان در تار و پود زندگی نفوذ کرده که در آمریکا، بسیاری از مردم حتی ادرکشان از واقعیت را بر اساس جناح خود تنظیم می‌کنند. جمهوری‌خواهان اغلب باور دارند اوضاع اقتصادی رو به بهبود است، حتی اگر داده‌ها چیز دیگری بگویند و دموکرات‌ها تبعیض نژادی را جدی‌تر از هر زمان دیگر ببینند.

از قانون مدیکر تا جنگ اقلیمی

در نیمه نخست قرن بیستم، شکاف میان احزاب بسیار محدود بود؛ در سال ۱۹۶۴، در صد بیش‌تری از آراش دیگر، بی‌تفاوتی سیاسی نیز رنگ سیاسی گرفته‌اند. هواداران راست به موسیقی «کید راک» گوش می‌دهند، در حالی که چپ‌ها با «بیانسه» تیلور سوئیفت» هم‌صدا هستند. راست‌ها گلف بازی می‌کنند و چپ‌ها به موزه و کتابفروشی می‌روند. حتی برند قهوه یا خودروی برقی هم نشانه جناح فکری شده است؛ در «برکلی» کالیفرنیا، تسلا نماد لیبرالسم اقلیمی بود تا زمانی که اعتراضات ضد تسلا آن را به نشانه‌ای از چپ‌گرایی ضدسرمایه‌داری بدل کرد. جالب است بدانید، مطالعات نشان می‌دهد نزدیک به نیمی از آمریکایی‌ها دایره دوستان و معاشران خود را تنها از کسانی تشکیل داده‌اند که هم‌فکر سیاسی‌شان

هفت صبح: در روزهای اخیر، انتشار خبرهایی از راه‌روهای مجلس شورای اسلامی درباره تلاش برخی نمایندگان برای گنجاندن مفاد قانون «عفاف و حجاب» در لایحه «منع خشونت علیه زنان» موجی از واکنش‌ها را در میان فعالان مدنی و حقوقی برانگیخت. نخستین بار این موضوع از سوی مریم باقی، فعال حقوق زنان و دانش‌آموخته حقوق، مطرح شد. او خبر داد که «برخی از نمایندگان که ایده پندار اصلی لایحه حجاب و عفاف بوده‌اند، پس از تعلیق اجرای آن، تصمیم گرفته‌اند بخشی از محتوای آن را رد قالب لایحه منع خشونت علیه زنان دوباره مطرح کنند.»

به گفته باقی، این اقدام در حالی صورت گرفته که هدف اصلی لایحه منع خشونت، ایجاد سازوکارهای حمایتی از زنان در برابر انواع خشونت‌های خانگی، اجتماعی و نهادی بوده است، اما برخی جریان‌ها در مجلس با تغییر ماهیت لایحه، مفاهیم جدیدی چون «زیست غیرتمندانه مردان» و «الزامات پوشش زنان» را وارد آن کرده‌اند. در واکنش به این تحركات، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در حاشیه نشست هیئت دولت اعلام کرد که «استرداد لایحه منع خشونت علیه زنان مصوب شده است. مهم این است که ما باید موضوعات فرهنگی را از جنس امنیتی خارج کنیم. موضوعات فرهنگی، ماهیتی فرهنگی دارند و با بکیر و بیند درست نخواهند شد.» این سخنان در واقع تایید ضمنی بر تصمیم دولت چهاردهم برای پس گرفتن لایحه و بازنگری در آن بود. در مقابل برخی چهره‌های اصولگرا از جمله فاطمه محمدبیگی، عضو فراکسیون زنان مجلس، از تغییرات اعمال‌شده دفاع کرده و گفته است که «مفاهیمی مثل زیست غیرتمندانه مردان و عفاف و حجاب برخاسته از قرآن و شرع مقدس اسلام است و قانون‌گذاری در این زمینه بخشی از مأموریت نمایندگان است.» به گفته او، قوانین یک‌طرفه در حوزه زنان تاکنون به نتیجه مطلوب نرسیده و لازم است مسئولیت‌های مردان نیز در قانون دیده شود.

در همین حال معصومه ابتکار و شهیندخت

گنجاندن مفادی درباره پوشش زنان و یا الزام به تفکیک جنسیتی در مراکز درمانی در لایحه‌ای که فلسفه آن حمایت از زنان بوده، نوعی «استحاله حقوقی» است. این تغییرات نه تنها با روح لایحه مغایرت دارد، بلکه با اصول حقوق اساسی و تعهدات بین‌المللی ایران نیز در تضاد است. لایحه منع خشونت علیه زنان حاصل بیش از یک دهه تلاش حقوق‌دانان و کارشناسان امور

هستند. ۱۵ درصد نیز گفته‌اند به دلیل اختلاف سیاسی، دوستی را پایان داده‌اند. امروز حتی در انتخاب همسر هم سیاست دخالت می‌کند؛ بسیاری از مجردها صراحتاً اعلام می‌کنند حاضر نیستند با فردی از جناح مخالف ازدواج کنند.

سیاست در خانه، کلیسا و آشپزخانه

وابستگی سیاسی در آمریکا نه تنها روابط اجتماعی، بلکه ایمان مذهبی را نیز دگرگون کرده است. از دهه ۲۰۰۰ به این سو، بسیاری از لیبرال‌ها از کلیساها فاصله گرفتند چون آنها را بیش از حد محافظه‌کار می‌دیدند. در مقابل، برخی محافظه‌کاران بی‌اعتقاد، خود را به‌طور نمادین «مسیحی» معرفی می‌کنند تا از سکولاریسم چپ فاصله بگیرند. حتی تغذیه و سلامت نیز رنگ حزبی یافته است. در ایالت‌های محافظه‌کار، مصرف گوشت بالاتر و چاقی شایع‌تر است، در حالی که در ایالت‌های لیبرال، گیاه‌خواری و ورزش محبوب‌تر است. فاجعه کرونا چهره تراژیک این دوگانگی بود و در ایالت‌های سرخ که واکسن را رد کردند، نرخ مرگومیر به‌مراتب بالاتر بود.

سیاست، دین تازه آمریکایی‌ها

هفتاد سال پیش، نژاد و منطقه زندگی مهم‌ترین عوامل هویت بودند. امروز، مدرک تحصیلی و وابستگی حزبی پاسخ اصلی به این پرسش است که «من کیستم؟» جامعه‌شناسان می‌گویند بخش بزرگی از دشمنی‌ها و کینه‌های سیاسی امروز نه از اختلاف برنامه‌های حزبی، بلکه از «هم‌ذات‌پنداری روانی» با جناح‌ها برمی‌خیزد. پیروزی حزب، پیروزی شخصی تلقی می‌شود و شکست آن، تحقیر فردی. نتیجه این همسانی فکری، زندگی در حباب‌هایی است که در آنها صدای مخالف شنیده نمی‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از آمریکایی‌ها تصویری اغراق‌آمیز از جناح مقابل دارند، دموکرات‌ها گمان می‌کنند همه جمهوری‌خواهان ثروتمندند و جمهوری‌خواهان تصور می‌کنند بیشتر دموکرات‌ها عضو اقلیت‌های جنسی‌اند. کوشش‌هایی برای شکستن این حباب‌ها در جریان است. از برنامه‌های گفت‌وگو تا مبادلات فرهنگی، اما تغییر عمیق به این زودی رخ نخواهد داد.

آیا آمریکا می‌تواند به عصر آرامش بازگردد؟

فاصله آمریکا امروز و کشوری که ۷ دهه پیش با آن مواجه بودیم، فاصله‌ای است که با هیچ چیز نمی‌توان آن را پر یا نزدیک کرد و در نتیجه، بازگشت به روزگار آرام دهه پنجاه ناممکن است. شاید در بهترین حالت بتوان به سطح تعادل دهه نود میلادی بازگشت، زمانی که سیاست هنوز همه عرصه‌های زندگی را تسخیر نکرده بود. اما در حال حاضر و با ظهور افرادی مانند دونالد ترامپ، سیاست چنان در بافت جامعه نفوذ کرده که از مدل کفش تا نوع ایمان، همه چیز را تعریف می‌کند. آمریکا امروز کشوری است که حتی «چکمه و صندل» نیز دو جبهه سیاسی‌اند.

استحاله لایحه منع خشونت علیه زنان در سایه قانون حجاب و عفاف

واژه «غیرت» در سایه حذف «خشونت»

برخی از نمایندگان مجلس تلاش می‌کنند با گنجاندن مفاد حجاب و عفاف در لایحه منع

خشونت علیه زنان، ماهیت حمایتی آن را به ابزاری کنترل‌ی تبدیل کنند

بخشی از جریان اصولگرا در مجلس، با استفاده از لایحه منع خشونت علیه زنان، در پی جبران ناکامی‌های پیش‌بین خود در اجرای سیاست‌های کنترل اجتماعی از مسیر قانون‌گذاری است. آن‌ها این بار به‌جای عنوان «حجاب و عفاف»، از مفاهیمی نرم‌تر، اما هم‌معنا چون «زیست غیرتمندانه» و «حفظ ارزش‌های خانواده» بهره می‌برند. این رویکرد البته با مخالفت جدی دولت چهاردهم روبه‌رو شده است. رئیس‌جمهور و معاونت امور زنان در دولت فعلی، بارها بر ضرورت استرداد لایحه و بازنگری در آن تاکید کرده‌اند. فاطمه مهاجرانی نیز در

تاریخی در سیاست‌گذاری جنسیتی رخ داده است.»

ایدئولوژی در پوشش قانون؛ بر خورد سیاسی با مسئله زنان

در تحلیل سیاسی ماجرا، این رخداد را باید در تسادوم همان روندی دانست که طی دو سال گذشته با عنوان «قانون حجاب و عفاف» در دستور کار جریان‌های تندرو قرار داشت. پس از تعلیق آن قانون توسط شورای عالی امنیت ملی، برخی از طراحان و حامیان‌ش در پی آن برآمده‌اند که مفاهیم مورد نظر خود را در قالبی دیگر بازتولید کنند. به نظر می‌رسد که

است. زهرا نژادبهرام، فعال حوزه زنان، در گفت‌وگویی هشدار داده که «این لایحه پشت درهای بسته برخی کمیسیون‌های مجلس با یک پایکوت نانوشته روبه‌رو شده است و مشخص نیست چرا به‌رغم ضرورت روشن برای تصویب قانونی در حمایت از زنان، برخی نمایندگان مقاومت می‌کنند.» به گفته نژادبهرام، جامعه ایران به‌سرعّت در حال تغییر است و اگر قانون‌گذاری متناسب با این تحولات نباشد، فاصله میان مردم و قانون افزایش می‌یابد. او معتقد است بی‌اعتمادی زنان به نهاد قانون، یکی از پیامدهای خطرناک چنین رویکردهایی است؛ زیرا وقتی زنان احساس کنند قانون از آنان حمایت نمی‌کند، به مسیرهای غیررسمی و حتی پرخطر برای دفاع از خود پناه می‌برند.

از سوی دیگر، ترکیب مفاهیم فرهنگی با احکام کفبری، می‌تواند منجر به افزایش تنش‌های اجتماعی شود. در جامعه‌ای که مسائل اقتصادی، اشتغال و امنیت اجتماعی زنان با چالش روبه‌روست، طرح مفاهیمی مانند «زیست غیرتمندانه مردان» عملاً بازتولید نابرابری جنسیتی است. لذا اگر لایحه‌ای با عنوان «منع خشونت» به ابزاری برای محدودسازی آزادی‌های فردی بدل شود، نه تنها کارکرد حمایتی نخواهد داشت بلکه خشونت ساختاری را تثبیت می‌کند.

اکنون، هم رسانه‌ها و هم افکار عمومی خواستار انتشار عمومی نسخه کامل لایحه و مشارکت جامعه مدنی در اصلاح آن هستند. همان‌طور که مریم باقی گفته بود، «لایحه‌ای که نمی‌تواند از جمعیت کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باید در معرض افکار عمومی قرار گیرد. اگر هدف، حمایت از زنان است، چرا باید پشت درهای بسته نوشته شود؟» آنچه از مجموعه این رخدادها برمی‌آید، نه صرفاً اختلافی در الفاظ، بلکه جدالی بر سر مفهوم عدالت جنسیتی و حدود دخالت دولت در زندگی خصوصی شهروندان است. سرنوشت لایحه منع خشونت علیه زنان، از مونی برای سنجش میزان تعهد حاکمیت به حقوق نسیمی از جمعیت ایران خواهد بود؛ حقوقی که سال‌هاست در پیچ‌وخم سیاست، ایدئولوژی و منازعات جناحی، به تعویق افتاده است.

موضع رسمی دولت تصریح کرد که نباید موضوعات فرهنگی را به‌صورت امنیتی و انتظامی پیگیری کرد. با این حال، برخی کمیسیون‌های مجلس به‌ویژه کمیسیون اجتماعی، هنوز حاضر به توقف بررسی نسخه فعلی لایحه نشده‌اند.

از سوی دیگر، این تقابل فراتر از یک اختلاف حقوقی و سیاسی است و در واقع بازتاب دو رویکرد متفاوت زیست اجتماعی به مسئله زنان در جمهوری اسلامی است؛ رویکردی که زنان را به‌عنوان «شهروند دارای حقوق مستقل» می‌بیند، در برابر رویکردی که آنان را در چار‌چوب خانواده و ارزش‌های سنتی تعریف می‌کند.

در این میان، فاطمه محمدبیگی، نماینده مجلس دوازدهم با استناد به آیات قرآن از ضرورت قانون‌گذاری درباره غیرت‌ورزی مردان سخن می‌گوید و تأکید دارد که «مردان مسئول حجاب همسران و دختران خود هستند». منتقدان اما می‌پرسند که اگر قانون، مردان را در جایگاه ناظر و زنان را در جایگاه نظارت‌شونده قرار دهد، چگونه می‌تواند از خشونت ساختاری جلوگیری کند؟

پیامدهای اجتماعی و خطر بی‌اعتمادی عمومی

لایحه منع خشونت علیه زنان، بنا بود نقطه عطفی در تاریخ قانون‌گذاری ایران برای حمایت از نییمی از جمعیت کشور باشد، اما رو‌نشد کنونی بررسی آن نگرانی‌های گسترده‌ای در جامعه مدنی ایجاد کرده

از نگاه بسیاری از کنشگران زن، این روند بازتاب‌دهنده نوعی «تسلط نگاه کنترل‌ی» بر حوزه زنان است؛ نگاهی که به‌جای تقویت حمایت‌های قانونی، در پی بازتولید نظارت و محدودیت است. اگر لایحه‌ای که باید مانع خشونت شود، یک عقب‌گرد تاریخی در سیاست‌گذاری جنسیتی رخ داده است.

این جا بشنوید



مهدی یغمایی از سقوط استانداردها

وفاداری به‌اصالت موسیقی می‌گوید

موسیقی امروز مراغافلگیر نمی‌کند

درس‌هایی از رفاقت‌های بی‌معرفت

یغمایی بی‌تعارف از مسیری که پشت سر گذاشته، حرف می‌زند؛ از اشتباهاتی که امروز، آنها را درس زندگی می‌داند. او بزرگ‌ترین توصیه‌اش به «مهدی یغمایی گذشته» را این‌گونه توضیح می‌دهد: «بیش از اندازه نگران ناراحت شدن یا خوشحال شدن دیگران نباش.» به نظرش تلاش برای حفظ رفاقت‌ها به هر قیمتی، تصمیمی اشتباه بوده است: «اینکه تلاش می‌کردم رفاقتی را حفظ کنم تا کسی دلخور نشود یا از خودم بگذرم تا دیگری نرنجد... ای کاش فقط به رشد و پیشرفت شخصی‌ام فکر می‌کردم.»

این خواننده معتقد است که انسان برای کمک به دیگران، ابتدا باید خود را دوست بدارد و رشد کند: «هر انسان باید خودش را دوست داشته باشد، خودش رشد کند و به بالاترین سطح برسد تا بتواند به اطرافیانش هم کمک کند. این نگاهی است که حالا آن را به‌عنوان سرمایه آن دورانم می‌بینم.»

این خودگذشتگی تنها در روابط شخصی نبوده؛ او در فضای حرفه‌ای نیز به روابط اشتباهی اشاره می‌کند و می‌گوید: «من زمان زیادی را صرف روابطی کردم که ارزشش را نداشتند؛ رفاقت‌هایی که پشت آنها معرفتی نبود.» یغمایی به خودش در گذشته هشدار می‌دهد که فریب افراد سرگردان بازار موسیقی را نخورد: «اگر به عقب برگردم، به خودم می‌گویم که به حرف کسانی که در بازار موسیقی سرگردان بودند گوش نکن؛ افرادی که هیچ کمکی از دستشان برنمی‌آمد. چرا اعتماد به این افراد در برخی مقاطع، باعث عقب افتادن از مسیر اصلی‌ام شده است.»

اما حالا، یغمایی با افتخار از استقلال حرفه‌ای خود می‌گوید؛ اینکه پس از مدتی، مسیرش را به‌عنوان یک خواننده مستقل تعریف کرده و بدون اتکا به رانت و ارتباط خاصی، روی پای خود ایستاده است و ارزش جایگاه امروز خود را نه در شهرت، که در کیفیت شنودگانش می‌بیند: «جایگاهی که امروز در موسیقی پاپ ایران دارم، برابم ارزشمند است. همچنین مخاطبانی که آثارم را دنبال می‌کنند، افرادی آگاه، بافرهنگ و اهل موسیقی هستند و این برای من اهمیت زیادی دارد.»

تمام صاحب‌سبک‌ها، اساتید من هستند

یغمایی با احترام، جایگاه خود را در برابر پیشکسوتان موسیقی تعریف می‌کند و تأکید دارد که در این مسیر، همواره آماده یادگیری است: «تمام خوانندگان صاحب‌سبک و ارزشمند، آنهایی که می‌توان عنوان خواننده را برایشان به‌کار برد، بدون استثنا اساتید من هستند.»

این نگاه احترام‌آمیز به جامعه هنری تنها محدود به خواننده‌ها نیست. یغمایی همچنین از آهنگسازان تأثیرگذار در شکل‌گیری موسیقی پاپ نوین ایران و بزرگان موسیقی اصیل که هنر را وارد زندگی روزمره مردم کردند، به نیکی یاد می‌کند: «تمامی آهنگسازان تأثیرگذار و تمام بزرگانی که موسیقی اصیل ایرانی را همراه با کلام و زبان محاوره وارد خانه‌ها و دل‌های مردم کردند، همگی برای من جایگاه استاد دارند.»

موسیقی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هنوز آموزنده است

وقتی صحبت به سلیقه شخصی و منابع الهام مهدی یغمایی می‌رسد، به حقیقتی انکارنشدنی در خلوت خود اشاره می‌کند: «در این زمان‌ها بیشتر به موسیقی‌های دهه ۴۰ و ۵۰ خورشیدی گوش می‌دهم. هرچند آثار جدید را نیز دنبال می‌کنم، اما این گوش دادن بیشتر جنبه گذرا دارد و معمولاً با یک بار شنیدن از کنار آنها عبور می‌کنم.» او معتقد است که کمتر کاری انقدر تأثیرگذار است که دوست داشته باشد دوباره آن را گوش دهد. دلیل این موضوع هم از نظر یغمایی واضح است: «هنوز از موسیقی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نکات زیادی برای آموختن وجود دارد، در حالی که فضای موسیقی امروز، چیز تازه‌ای به تجربیات من اضافه نمی‌کند.» این خواننده توضیح می‌دهد که هر اتفاقی که امروز در موسیقی پاپ رخ می‌دهد، نمونه‌های عمیق‌تر و غنی‌تر آن، سال‌ها پیش خلق شده‌اند: «تقریباً هر اتفاقی که امروز در موسیقی می‌افتد، نمونه‌ای به‌مراتب عمیق‌تر، حرفه‌ای‌تر و غنی‌تر از آن را می‌توان در آثار ماندگار آن دوره یافت.»

عاشقانه‌ها به یاد گذشت چشم‌آذر متوقف نشد

بخش مهمی از کارنامه مهدی یغمایی در سال‌های اخیر، به همکاری با پروژه «عاشقانه‌ها» ناصر چشم‌آذر بازمی‌گردد. او درباره شکل‌گیری این کنسرت ماندگار می‌گوید: «ایده اولیه کنسرت عاشقانه‌ها متعلق به خود استاد ناصر چشم‌آذر بود.» این خواننده توضیح می‌دهد که این اجراها در ابتدا بیشتر به شکل بی‌کلام و آرکسترال روی صحنه می‌رفت و تنها تعداد کمی از قطعات با خواننده اجرا می‌شد.

پیش از یغمایی، هنرمندانی چون مانی رهنما در این پروژه حضور داشتند. اما پس از پیشنهاد، یغمایی این مسئولیت را پذیرفت. درباره خاطرات تلخ و شیرین آن روزها می‌گوید: «نخستین اجرای ما در تالار وحدت برگزار شد و قرار بود اجرای بعدی در برج میلاد روی صحنه برود که متأسفانه در همان زمان، استاد چشم‌آذر از دنیا رفتند.» پس از درگذشت استاد، روند اجرای کنسرت با پیگیری همسرشان، شیرین احمدلو و هبری ارکستر آرمین قیاطسی ادامه یافت.

این خواننده تأکید می‌کند که دوره شکوفایی و تثبیت «عاشقانه‌ها» با پیوستن یک شرکت حرفه‌ای رقم خورد: «آقای محسن رجب‌پور و شرکت «ترانه شرقی» مسئولیت برگزاری این کنسرت‌ها را بر عهده گرفتند. این توان گفت دوره شکوفایی این پروژه، به حضور ایشان آغاز شد.» از آن زمان تاکنون، کنسرت «عاشقانه‌ها» بارها تمدید شده و با استقبال چشمگیر مخاطبان در شهرهای مختلف اجرا شده است.

هرصدایی «خواننده واقعی» نیست!

برخی خواننده‌های جدید به استاندارد فنی نرسیده‌اند

یغمایی در ارزیابی خود از صحنه موسیقی پاپ امروز، ابتدا نگاهی مثبت به برخی هنرمندان نسل جدید داشت. او در عین‌احترام به تمامی فعالان این عرصه، نام بهنام بانی و آرون افشار را به میان آورد و آن‌ها را «خوانندگان توانمندی» دانست که سال‌هاست به برایشان احترام زیادی قائل است. یغمایی تأکید کرد که همکاری سازنده میان نسل‌های پیشین و جدید ضروری است: «امیدوارم خوانندگان نسل‌های پیشین و جدید بتوانند همکاری‌های سازنده‌ای با یکدیگر داشته باشند و دست به دست هم دهند تا سطح موسیقی کشور ارتقا پیدا کند.» با این حال، این خواننده بلافاصله مرز میان محبوبیت و استاندارد حرفه‌ای را ترسیم کرد و گفت: «همه خوانندگانی که در عرصه موسیقی فعالیت می‌کنند برای من عزیز و محترم هستند اما در حوزه فنی، موضوع متفاوت است. برخی از خوانندگان جدید هنوز به استانداردهایی که من برای خوانندگی قائل هستم، نرسیده‌اند و نمی‌توان آنها را به معنای واقعی خواننده نامید.» او با تأکید بر معیار قرار دادن کیفیت، افزود که علاقه شخصی نمی‌تواند جایگزین استاندارد فنی شود: «ممکن است برخی از این هنرمندان را از نظر فردی بسیار دوست داشته باشم، اما به دلیل فاصله داشتن آثارشان با معیارهای حرفه‌ای، نمی‌توانم به آنها عنوان «خواننده» را نسبت دهم.»

رفتند، با موسیقی‌هایی مواجه شدند که از لحاظ فنی، محتوایی و احساسی بسیار عمیق‌تر بودند. همین شناخت، سبب شد تا بسیاری از آن‌ها به موسیقی نوستالژیک گرایش پیدا کنند.» او نتیجه می‌گیرد که نوستالژی، صرفاً خاطره‌بازی نیست، یک انتخاب آگاهانه برای جستجوی کیفیت است. با این حال، یغمایی تأکید می‌کند که این امر به معنای نادیده گرفتن آثار باکیفیت امروز نیست و استقبال گسترده از کنسرت‌های فاخر نشان می‌دهد که «جامعه موسیقی فهم و موسیقی‌دوست، همچنان به‌دنبال شنیدن صدای کیفیت و اصالت در موسیقی است.»

رپرهای اصیل باید مجوز و کنسرت بگیرند!

«رپ سبکی است که ذاتاً بر پایه اعتراض شکل گرفته است؛ اعتراضی اجتماعی که در قالب شعر و کلام و بر بستر ریتم ارائه می‌شود.» این تعریف مهدی یغمایی از جریان موسیقی رپ است. این خواننده تأکید می‌کند که این ویژگی قابل احترام و بسیار تأثیرگذار است و با توجه به این هویت اصیل، باید بستر رسمی برای آن فراهم شود.

او با تأکید بر لزوم پذیرش این سبک در فضای رسمی کشور می‌گوید: «خوانندگان رپ نیز باید امکان دریافت مجوز رسمی و برگزاری کنسرت را داشته باشند. تصور من این است که در صورت فراهم شدن این فضا، بسیاری از رپرهای توانمند می‌توانند موفقیت‌های چشمگیری کسب کنند.»

او میان حرفه‌ای‌ها و مدعیان این عرصه مرزبندی می‌کند: «برخی از افراد، صرفاً خود را به این سبک منتسب کرده‌اند، در حالی که از نظر فنی و محتوایی، تعریف درستی از رپ ارائه نمی‌دهند. اما در نقطه مقابل، هنرمندان اصیلی حضور دارند که به خوبی رپ را می‌شناسند، ترانه‌هایی می‌نویسند که تأثیرگذار و عمیق است و اجرای آنها بر روی ریتم، کاملاً حرفه‌ای و هنرمندانه است. باید هرچه سریع‌تر زمینه برای حضور رسمی این هنرمندان در فضای موسیقی کشور فراهم شود تا مخاطبان بیشتری بتوانند با آثار ارزشمند آن‌ها آشنا شوند.»

بین المللی شدن موسیقی ایران با بازگشت

هنرمندان

یغمایی چشم‌انداز خود را برای آینده موسیقی پاپ ایران، در گروی بازگشت خوانندگان مقیم خارج می‌بیند. او این رخداد را نه یک کنسرت عادی، که «جریانی جدید» می‌خواند که می‌تواند ساختار صنعت موسیقی را دگرگون کند. او تأکید می‌کند که سود این تحول، صرفاً هنری نیست؛ یک مزیت اقتصادی است: «این اتفاق از منظر اقتصادی نیز بسیار مهم است، چرا که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر صنعت موسیقی و سطح حرفه‌ای تهیه‌کنندگان داشته باشد.»

بلافاصله بر لزوم هوشمندی فرهنگی تأکید کرده و می‌گوید: «امیدوارم اگر چنین درآمدی حاصل می‌شود، توسط تهیه‌کنندگانی هدایت شود که دغدغه فرهنگی دارند و صرفاً نگاه تجاری به موسیقی ندارند.» این خواننده کشورمان این رویداد را زمینه‌ساز «بین‌المللی شدن» موسیقی ایران دانسته و موضع خود را اعلام می‌کند: «به‌شخصه از حضور هنرمندان خارج از کشور در صحنه‌های رسمی ایران استقبال می‌کنم و بسیار خوشحال خواهم شد اگر شاهد اجرای کنسرت این عزیزان در کشور خودمان باشم.»

جای هنرمند در زندان نیست

یغمایی در پاسخ به پرسشی درباره امیر تتلو (امیر مقصودلو)، با لحنی صریح و دووجهی صحبت می‌کند. ابتدا به آشنایی قدیمی خود با تتلو اشاره می‌کند و او را در گذشته «جوانی خوش‌برخورد، خوش‌پوش، مودب و بسیار محترم» توصیف می‌کند. از جنبه هنری، یغمایی برای تتلو ارزش بالایی قائل است: «امیر تتلو خواننده‌ای خلاق، ترانه‌نویسی توانمند، ملودی‌ساز مسلط و صاحب‌سبک است. صدای او نیز با جنس آثارش کاملاً هماهنگ است.»

با این حال، او فاصله خود را با برخی کنش‌های رفتاری و سبک زندگی تتلو حفظ می‌کند: «ممکن است از نظر شخصیتی و رفتاری، با برخی از کنش‌ها و سبک زندگی او زاویه‌هایی داشته باشم؛ چرا که برخی رفتارها به چارچوب‌های اخلاقی و عرفی جامعه هم‌راستا نبوده‌اند.» او معتقد است مشکلات سال‌های اخیر تتلو نیز ناشی از همین اختلاف دیدگاه‌ها بوده است.

این خواننده پاپ بدون ورود به مسائل قضایی، موضع انسانی خود را این‌گونه بیان می‌کند: «در یک جمله می‌توانم بگویم که جای هنرمند در زندان نیست و با توجه به طلب بخشش تتلو می‌توان با نگاهی مهربانانه‌تر و انسانی‌تر با او مواجه شد. امیدوارم شرایطی فراهم شود که امیر تتلو بتواند به آغوش خانواده‌اش بازگردد.»

همسر، اولین مخاطب من است

مهدی یغمایی در پایان گفت‌وگو با تأکید بر اهمیت بازخورد اطرافیانش می‌گوید: «وقتی اثر جدیدی خلق می‌کنم، اولین مخاطب همسرم هستند. نظر او برایم بسیار مهم است و اگر کاری به دلشان ننشیند، همان ابتدا با صراحت می‌گویند که مثلاً شعر آن خوب نیست. بعد از آن، نظر آقای علی برکت، مدیر برنامه و وکیل‌ام را می‌پرسم و همین‌طور چند دوست نزدیک که کارها را می‌شنوند و نظر می‌دهند. اما در نهایت به این نتیجه رسیده‌ام که اگر یک اثر بتواند خود من را تحت تأثیر قرار دهد، جامعه هم تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در غیر این صورت، اتفاق خاصی برای اثر نخواهد افتاد.»

به مناسبت سالروز درگذشت ساموئل خاچیکیان پدر سینمای جنایی ایران

مهندس هیجان در سینمای ایران

کارگردانی که ژانر پلیسی را در ایران جان بخشید و استاندارد تازه‌ای از روایت بصری ساخت

گروه فرهنگ و هنر | در روزهایی که مرور تاریخ سینمای ایران گاه بوی تکرار می‌دهد، بازگشت به نام ساموئل خاچیکیان مثل ورق زدن فصلی پرهیجان از رمان سینمای کشور است؛ مردی از تبار ارمنه تبریز که رویاهایش از دل تاریکی سالن‌های کوچک به وسعت پرده‌های بزرگ شکوفه زد. او در روزگاری با به سینما گذاشت که این هنر در ایران بیشتر جنبه سرگرمی داشت، اما نگاهش راهی گشود به سوی ساختار، تعلیق، نور و حرکت. امروز، در سالروز تولدش، شاید بهترین زمان برای بازخوانی مردی باشد که جسارت را به فرم بدل کرد.

خاچیکیان در ۲۹ مهر ۱۳۰۲ در تبریز چشم به جهان گشود. خانواده‌ای اهل فرهنگ و ادب داشت و از همان سال‌های نوجوانی شیفته داستان و نمایش بود. صدای سالن‌های تئاتر و تصویر صحنه‌های فیلم‌های خارجی در ذهنش تخم روایی کاشت که بعدها به سینمایی متفاوت بدل شد. وقتی به تهران آمد، در ابتدا در فضای مطبوعات و نمایش فعالیت می‌کرد و همین ترکیب تجربه نوشتن و اجرا، بعدها در کارگردانی اش نمود یافت. فیلم نخست او در دهه سی خورشیدی ساخته شد؛ زمانی که بیشتر تولیدات ایرانی بر روایت‌های عاشقانه و ملودرام‌های خانوادگی استوار بودند. ورود خاچیکیان به این میدان مثل وزش نسیمی تازه بود. نگاهش دقیق، میزانش هایش منظم و روایتش پرکشش بود. از نخستین آثارش تافیلیم‌های ماندگاری چون فریاد نیمه‌شب و یک قدم تا مرگ، همیشه ردپایی از راز و جنایت در قاب‌ها موج می‌زد. در همان دوران، تماشاگران برای نخستین‌بار با مفهوم دلهره در سینمای داخلی روبه‌رو شدند؛ تجربه‌ای که بعدها الهام‌بخش نسل تازه‌ای از فیلم‌سازان شد.

جسارت در فرم، شجاعت در روایت

خاچیکیان اهل آزمون بود. از زاویه دور بین تا ترکیب موسیقی و نور، هر جزئی را به گونه‌ای می‌چید که مخاطب حس کند درون یک معما قدم گذاشته است. بسیاری از منتقدان لقب «هیچکاک ایران» را به او دادند، زیرا توانست مفاهیم تعلیق و دلهره را با فضای ایرانی پیوند دهد. مقایسه‌ای که البته بیش از شباهت، نشانگر درک درست او از اصول هیجان در سینما بود. نگاهش جهانی بود و در عین حال به فرهنگ بومی وفادار می‌ماند. در کارنامه خاچیکیان بیش از چهل فیلم بلند ثبت شده است. از آثار آغازین دهه سی تا فیلم‌های دهه پنجاه، او همواره پرکار و خلاق ماند. بسیاری از بازیگران شاخص، نخستین تجربه‌های جدی‌شان را در فیلم‌های او پشت سر گذاشتند. صحنه برایش معبدی بود که نظم و نور باید در آن معنا پیدا می‌کرد. گاهی روزها صرف می‌کرد تا موقعیت درست سایه و حرکت را بیابد. برای تماشاگر، نتیجه چیزی بیش از یک روایت ساده بود؛ تجربه‌ای از ریتم، اضطراب و زیبایی.

بازگشت پر شور با «عقاب‌ها»

پس از انقلاب، شرایط تولید در سینما دگرگون شد و بسیاری از کارگردانان قدیمی از میدان دور ماندند. خاچیکیان اما در سال ۱۳۶۳ با فیلم عقاب‌ها بازگشتی خیره‌کننده داشت. اثری درباره خلبانان ایرانی در میانه جنگ، که از مرزهای یک فیلم جنگی عبور کرد و به پرفروش‌ترین فیلم زمان خود بدل شد. او توانست در فضایی کاملاً تازه، همان مهارت در ریتم و تصویر را زنده نگه دارد. در آن دوران، سینما نیازمند چهره‌هایی بود که تجربه و تکنیک را توانان در اختیار داشته باشند و ساموئل یکی از معدود کسانی بود که این ویژگی را در وجود خود داشت.

نقش او در تکامل زبان سینما

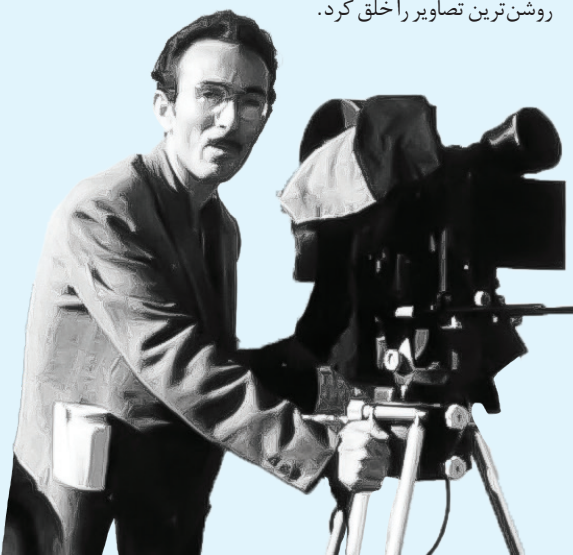
آنچه خاچیکیان را از هم‌نسلانش متمایز کرد، درک او از اهمیت تدوین و نورپردازی بود. او باور داشت که فیلم با برش و اتصال نفس می‌کشد. در اتاق تدوین، با وسواس به طول هر پلان فکر می‌کرد و به دکوپاژ معنا می‌داد. مخاطب در سالن سینما ناخوسته درگیر ضرباهنگی می‌شد که ذهنش را تا آخرین فریم نگه می‌داشت. در دهه‌ای که هنوز بسیاری از فیلم‌ها با ابزار محدود ساخته می‌شدند، او مفهوم استاندارد بصری را وارد جریان اصلی کرد. افزون بر جنبه فنی، خاچیکیان نگاهی شاعرانه به سینما داشت. شخصیت‌هایش اغلب میان خیر و شر معلق بودند، بی‌آنکه پاسخ روشنی بیابند. در آثارش، عدالت و گناه در هم می‌آمیزند و انسان‌ها در تقابل با سرنوشت خود می‌جنگند. این جهان تیره و پرتنش، از او فیلم‌سازی ساخت که تصویر را همچون آینه‌ای از روان انسان می‌دید.

میراثی که هنوز زنده است

امروز که از درگذشت ساموئل خاچیکیان بیش از دو دهه می‌گذرد، نامش همچنان در میان سینما و سستان طنین دارد. میراث او محدود به چند فیلم کلاسیک نیست؛ او شیوه نگریستن به سینما را تغییر داد. نگاهش به جزئیات، جسارتش در تجربه ژانر و باورش به اهمیت مخاطب، هنوز برای نسل تازه کارگردانان درسی بزرگ است. هرچند در سال‌های پایانی زندگی با بیماری فراموشی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، اما حافظه سینمای ایران او را فراموش نکرد. هر بار که پرده سفید روشن می‌شود و سایه‌ها جان می‌گیرند، ردپایی از او در میان فریم‌ها هست. مردی که فهمید هیجان، ترس، عشق و نور، زبان مشترک همه تماشاگران جهان است.

آغاز و پایان در دوروز از یک ماه

زندگی ساموئل خاچیکیان شبیه فیلم‌های خودش بود؛ پر از تصادف‌های شاعرانه. او در ۲۹ مهر ۱۳۰۲ به دنیا آمد و در ۳۰ مهر ۱۳۸۰ از دنیا رفت. گویی زندگی‌اش از همان ابتدا با نور پاییزی آغاز شد و با غروب همان فصل به پایان رسید. این همزمانی عجیب، تصویری شاعرانه از چرخه حیات اوست؛ فیلم‌سازی که با قاب‌های روشن به دنیا آمد و در واپسین روز مهر، در آرامشی شبیه آخرین پلان فیلمی ناتمام، برای همیشه از پرده کنار رفت. به یاد ساموئل خاچیکیان، کارگردانی که در تاریکی سالن‌ها، روشن‌ترین تصاویر را خلق کرد.



پاسخ نماینده یونسکودر ایران به «هفت صبح» درباره ساخت وساز در حریم تخت جمشید

به شدت نگران هستیم

یونسکو سه نامه هشدار به ایران فرستاده و نگران تاثیر طرح توسعه مرودشت بر حریم تخت جمشید است



نماینده مردم مرودشت در مجلس، چندی پیش از الحاق ۹۶۰ هکتار به محدوده شهری مرودشت برای توسعه خبر داده بود که می توانست «حریم» حفاظت شده تخت جمشید را تحت تاثیر قرار دهد و به آن آسیب بزند. موضوعی که باعث شد تا گروهی از باستان شناسان بررسی هایی را در این زمینه انجام دهند که نتیجه آن نشان می داد حدود ۴۶۰ هکتار از اراضی مورد نظر برای توسعه، واقع در شهرک مهدیه مرودشت، با حریم در چه دو تخت جمشید همپوشانی دارد. محدوده ای که شامل محوطه باستانی فیروزی است که دارای آثار هخامنشی بوده که هنوز کاوش نشده و این توسعه می تواند آثار باستانی کشف نشده را در معرض خطر قرار دهد. این اظهارات با موجی از واکنش های مردمی و کارشناسانه همراه بود که باعث شد تا برخی از مسئولان در اظهاراتی این مسئله را تکذیب کنند. با این حال همچنان گروهی از باستان شناسان و دوستداران آثار تاریخی از تهدید جایگاه میراث جهانی تخت جمشید در یونسکو به خاطر همین اقدام، نگران هستند.
گرچه دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران در پاسخ به سوال هفت صبح مبنی بر اینکه آیا تکذیبیه های مسئولان شما را قانع کرده یا خیر؟ می گوید: ما همچنان به شدت نگران هستیم!

مسبوق به سابقه!

اما این اولین بار نبود که موضوع ساخت و ساز در حریم تخت جمشید خیر ساز شده بود. حدود یک سال قبل نیز برخی فعالان میراث فرهنگی از شکسته شدن حریم تخت جمشید خبر دادند و گفتند «حریم در چه یک و ممنوعه میراث جهانی پارسه با همان تخت جمشید به بهانه توسعه گردشگری شکسته شده است.» طبق گفته سیاوش آرپا، کتشنر و پژوهشگر میراث فرهنگی، داستان از کارخانه سنگ شکن و معدن کاوی گسترده در دامان کوه مهر (رحمت) و حریم در چه دو میراث جهانی پارسه (تخت جمشید) آغاز شد که با سرپیچی از ضابطه و قانون های میراث فرهنگی پس از چندین سال، آغاز به کار کرده است و به تاژی هم در حریم در چه یک و ممنوعه یادگار هخامنشیان و به بهانه توسعه گردشگری در ورودی پارسه، دو ساخت وساز نزدیک به هم در حال انجام است.

همان تاریخ اما محمد ثابت اقلیدی -مدیر کل میراث استان فارس در پاسخ به این موارد گفت: کلیات طرح در شورای فنی استان به تصویب رسیده و قرار است سازه به صورت پرتابل (قابل جابه جایی) باشد و پروژه از سوی شرکتی کاملاً دولتی و در زمینی دولتی اجرا می شود و هیچ مالکیت و انتفاع شخصی در آن وجود ندارد.

شهرک در دسرساز

با این حال ادعای عبداللهی از آن جهت باعث ایجاد حساسیت شده است که زمین های زراعی اطراف شهرک مهدیه، که بخشی از کمر بند حفاظتی تخت جمشید، نقش رستم، نقش رجب و شهر استخر محسوب می شوند، سال هاست که زیر ذره بین سوجو یانی هستند که برای تغییر کاربری به تجاری کمین کرده اند! این وضعیت در حالی بر منطقه حاکم است که در سال ۱۳۹۰، ضوابطی برای ممنوعیت تغییر کاربری اراضی کشاورزی در حریم در چه دو تخت جمشید وضع شد تا از توسعه شهری به سمت این مجموعه جهانی جلوگیری شود. حالا اما بنا بر ادعای عبداللهی تنها ۹۰ هکتار از شهرک مهدیه، که سال هاست مسکونی شده و خدمات شهری دریافت می کند، در حریم در چه دو قرار دارد و هیچ محدوده جدیدی به طرح توسعه اضافه نشده است. در همین راستا محمدرضا زراعی، شهردار مرودشت، نیز گفته که این ۹۰ هکتار پیش تر شکل گرفته و شورای عالی شهر سازی با حضور نماینده میراث فرهنگی، آن را به محدوده شهری الحاق کرده است. وی افزود که در این محدوده، ساخت وساز تا ارتفاع ۸.۵ متر مجاز بوده و هیچ توسعه جدیدی رخ نداده است.

وقتیکه سخنان وزیر، حاشیه سازی می شود

ولی چرا با وجود تکذیب های مسئولان، باز هم دوستداران نقاط تاریخی نگران هستند؟ دلیل آن شاید تا حدودی به اظهارات وزیر میراث فرهنگی بر گردد. وزیر میراث فرهنگی در جلسه رأی اعتمادی خود رسماً گفته بود: بیش از ۹۰ درصد نمایندگان از ایجاد محدودیت حرایم آثار تاریخی اناراضی هستند. ما قول می دهیم که حتماً یک بازنگری در ضوابط حرایم در سراسر کشور داشته باشیم. نمی شود قانونی وضع کنیم که ۹۰ درصد نمایندگان از آن ناراضی باشند.»

همچنین وی روز شنبه، ۲۶ مهرماه، نیز در اظهار تی گفت: «میراث فرهنگی نه تنها مانع توسعه نیست، بلکه زمینه ساز رشد فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی کشور است. اگر به درستی از این سرمایه ملی بهره گیری کنیم، می تواند به موتور محرک توسعه پایدار تبدیل شود.»

این سخنان کافی بود تا کارشناسان و برخی از نمایندگان مجلس و البته علاقمندان تمدن و آثار تاریخی کشور در برابر آن موضوع گیزی کرده و هشدار دهند. چرا که آنها معتقد بودند که با این دست فرمان احتمالاً به زودی قرار است ساخت و سازهای منفعت زایی در حرایم نقاط باستانی آغاز شود. رویه ای که به نظر می رسد با ساخت و سازهای بدون مجوز در گرگان و محوطه های باستانی آن آغاز شده و حالا به آثار شاخصی مثل پاسارگاد و تخت جمشید رسیده است!

دلیل اهمیت جهانی

تخت جمشید

تخت جمشید فقط یک سازه باستانی نیست



بلکه مرکز ثقل فرهنگی ایران و حتی خاورمیانه محسوب می شود که از اهمیتی غیر قابل وصف برخوردار است. دکتر علیرضا عسکری چاوردی -باستان شناس و استاد دانشگاه شیراز در پاسخ به چرایی اهمیت تخت جمشید می گوید: تخت جمشید نظام معرفتی ایرانیان است که بنیان آن بر هنر، صلح و دوستی بنا شده است. نخستین بنای کلاسیک جهانی در تاریخ و تمدن بشر است که درست برای صلح با زبان هنر بنا شده است.

وی با ذکر اینکه بازتاب هنری و فرهنگی تخت جمشید در پیوند با مردمان خاورمیانه در دوره هخامنشی نهادینه شد، می افزاید: همین امر، تداوم انسجام فرهنگی ایران بزرگ را در دوره های بعد رقم زد. در ساخت تخت جمشید عناصر فرهنگی خاورمیانه باستان به کار گرفته شد و اسلوب های هنری آن با حفظ انسجام ملی بر مبنای فرهنگ تاریخی قلمرو ارضی هخامنشیان بنیان نهاده شد به گونه ای که تا به امروز نه تنها مردم ایران بلکه جوامع انسانی خاورمیانه باستان نسبت خود را به هسته مرکزی آن فرهنگ یعنی تخت جمشید جستجو می کنند.

به گفته این استاد دانشگاه، تخت جمشید نه تنها اقوام سرزمین امروز ایران را به هم گره زده است بلکه پیوند دهنده انسجام ارضی سرزمین ایران در دوره باستان بوده است. این پیوند و انسجام



ادامه نگرانی یونسکو

تا اینجا ی کار به نظر می رسد با توجه به اظهارات مسئولان، همه چیز روبه راه است و خطری تخت جمشید را تهدید نمی کند. اما پاسخ حسن فرطوسی دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران به «هفت صبح» نشان می دهد که هنوز هم نگرانی های جدی در این زمینه به قوت خود باقی است. وی در پاسخ به سوالی در مورد اقدامات یونسکو در مورد احتمال

خارج شدن تخت جمشید از فهرست آثار ثبت شده یونسکو می گوید: از همان ابتدای طرح این موضوع پیگیر ما چرا بودیم. موضوع به قدری مهم است که تاکنون سازمان جهانی یونسکو سه نامه هشدار در این زمینه به ایران داده است. ما هم در تابستان سفری به آنجا داشتیم و از نزدیک وضعیت را بررسی کردیم. وی در مورد نتیجه بررسی های کمیته ملی یونسکو در ایران نیز می گوید: همانطور که می دانید کمیسیون امکان ورود مستقیم به اینگونه موارد را ندارد، اما هشدارهای لازم را به صورت مکتوب صادر کرده ایم و بر ضرورت بررسی کارشناسی این موارد تأکید داریم. همچنین از وزارت میراث فرهنگی و همچنین استانداری فارس خواسته ایم تا موضوع حریم آثار تاریخی را پیگیری کنند و مستندات کارشناسی خود را ارائه دهند و منتظر پاسخ آن هستیم. ولی همین جا اعلام می کنم که ما هم در کنار سازمان جهانی یونسکو به شدت نگران سر نوشت تخت جمشید هستیم و با جدیت آن را پیگیری می کنیم.

با این حساب به نظر می رسد باید حالا منتظر پاسخ های مسئولان به یونسکو و اعلام نتیجه قطعی از سوی آنها باشیم. تصمیمی که می تواند حکم باقی ماندن یا خروج این اثر کم بدیل جهانی از لیست آثار ملی را داشته باشد!

ارزشمند است زیرا با زبان هنر با وحدت ایران فرهنگی در طول تاریخ امتداد یافته است. مردمان چهار گوشه ایران امروز در آذربایجان، سیستان و بلوچستان، خراسان و خوزستان همه تخت جمشید را متعلق به خود می دانند زیرا با تخت جمشید در تاریخ پیوند دارند. وی در نهایت نتیجه می گیرد که به همه این دلایل باید با جان و دل از تخت جمشید مراقبت، محافظت و نگهداری کرد چرا که ایده شکل گیری ایران نوین در مفهوم نام و نشان تخت جمشید نهادینه شده است. به بیانی، تخت جمشید یعنی ایران، مردم ایران و سرزمین کهنسالی که خود ریشه های وحدت ارضی، ملی، قلمرویی و تنوع فرهنگی مردم ایران را به هم پیوند زده است.

چالش بین شهرک نشینان و تخت جمشید

بررسی ها نشان می دهد آنچه اسفندیار عبداللهی به عنوان ثمره «ماه ها پیگیری مستمر و رایزنی های فشرده» خود به مردم ارائه کرده است، همان طرحی است که چند سالی است روی میز مدیریت شهری مرودشت مانده بود.

اما چالش بین شهرک مهدیه و تخت جمشید چیست؟ به گفته کارشناسان، این شهرک که در دهه ۷۰ در محدوده حریم تخت جمشید ساخته شده است، در حوزه توسعه و ساخت وساز باید طبق ضوابط میراث جهانی عمل کند. درواقع، نقشه ارائه شده مربوط به وعده چند دهه ای مسئولان مرودشت مبنی بر الحاق این شهرک به محدوده شهری با هدف دریافت خدمات جاری شهرداری است. اما طبق توضیح محمدجواد جعفری مدیر پایگاه تخت جمشید؛ «کل محدوده شهرک مهدیه و محورهای اطراف آن حدود ۱۰۰ هکتار است که شامل ۴۰ هکتار شهرک اصلی و ۶۰ هکتار محورهای اطراف آن می شود. این محدوده به طور کامل فریز شده و هیچ گونه توسعه و ساخت وساز جدیدی در آن مجاز نیست. زمین های خالی این شهرک، حدود ۳۰ هکتار است و تنها برای کاربری های گردشگری قابل استفاده اند. هر گونه تغییر کاربری یا ساخت وساز باید با هماهنگی استانداری و تایید شورای حرایم، متشکل از کارشناسان میراث فرهنگی، پایگاه تخت جمشید و اداره کل میراث فرهنگی انجام شود.» از سویی به گفته مردم این شهرک، این نقطه جمعیتی به دلیل قرارگیری در خارج از محدوده شهری مرودشت، خدماتی از قبیل جمع آوری پسماند و بهسازی معابر را از شهرداری دریافت نمی کند و همین موضوع نیز باعث تشدید چالش میان این شهرک و مدیریت شهری مرودشت شده است.

وی همچنین از تدوین طرح جامع مرودشت اظهار بی اطلاعی کرده و گفته بود: اگر قرار بود چنین طرحی تدوین شود حتماً باید به ما هم اطلاع داده می شد تا در جلسات آن حضور پیدا کنیم!

شواهدی که نشان از خطر دارند

بر خلاف گفته مدیر پایگاه تخت جمشید، هم طرح جامع مرودشت آماده شده و هم به نظر می رسد قرار است ساخت و سازهای جدیدی در این محوطه رخ دهد. همان طور که فرهاد عزیزی زلانی، مدیر کل پایگاه های ملی و جهانی گفته است: «در بازنگری طرح جامع شهر مرودشت، تمامی ضوابط و ملاحظات حفاظتی بدون تغییر لحاظ شده است. در این طرح علاوه بر تصویب حذف کاربری های نامتناسب، عمده کاربری های این بخش به عنوان پشتیبان خدمات گردشگری در نظر گرفته شده است» موضوعی که نشان می دهد ساخت و سازهایی در شرف انجام است!

در همین راستا، بهزاد مردی، مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان فارس نیز گفته است: «اقدامات حفاظتی و نظارتی با دقت کامل در جریان است و هیچ تهدیدی متوجه این اثر تاریخی نیست.»

تکذیب نهایی

در این میان به نظر می رسد باستان شناسان نیز که تنها مستندانشان حرف های مسئولان باشد، معتقدند که «اگر» آنچه متولیان می گویند، درست باشد، جای نگرانی نیست. صدیقه شیروانی، باستان شناس شیرازی در این خصوص به «هفت صبح» می گوید: تا جایی که ما از بنیاد مسکن فارس و شهرداری و میراث پیگیری کرده ایم، به نظر نمی رسد جای نگرانی وجود داشته باشد.

گرچه وی حاضر نیست توضیح بیشتری در مورد جزئیات این طرح و استدلالش در مورد بی خطر بودن آن بدهد!

از سویی دبیرخانه شورای عالی شهر سازی و معماری به عنوان عالی ترین نهاد تصمیم گیری در مورد تدوین و تصویب طرح های جامع شهری، بی شک نقشی کلیدی در رد یا تصویب طرح یاد شده دارد. با این وجود احمد نیکخواه ناظینی مدیر کل دبیرخانه شورای عالی شهر سازی و معماری خبر از تصویب نهایی این طرح داده و مدعی شده که در آن تمامی ملاحظات میراثی برای حفظ و صیانت از تخت جمشید رعایت شده است.

به گفته وی تخت جمشید دارای عرصه، حریم در چه یک، حریم در چه ۲ و حریم در چه ۳ است. مرز این حرایم از وزارت میراث فرهنگی اخذ و در طرح جامع شهر مرودشت منعکس شد و بر همین اساس تمامی عرصه و حریم در چه یک در خارج از محدوده شهر واقع شده است. ضمن آنکه در جریان تصویب طرح جامع مرودشت، وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری حضور داشته و این طرح با تایید آنها تهیه شده است. این درحالی است که در روزهای ابتدایی انتشار خبر «محمدجواد جعفری»، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، گفته بود که از این موضوع اطلاع ندارد و مدعی شده بود: «هر اتفاقی قرار باشد بیفتد، باید روند استعلام را طی کند و هنوز چیزی از ما استعلام نشده است. ضوابط حریم مشخص است و این طور نیست که هر کجا به حریم شهر مرودشت اضافه شود، تخت جمشید اتفاقی برایش بیفتد.»

گزارش

در رخدادی کم سابقه در یک روز دو خط مترو تهران به دلیل نقص فنی بسته شدند

صبح آشفته مترو تهران



سارا خادمی| در حادثه ای کم سابقه بروز اختلال در دو خط ۴ و ۵ مترو در یک روز، باعث شد تا صدها نفر دیرتر از همیشه به مقصد و یا محل کار خود برسند. این در حالی است که رئیس شورای شهر تهران در واکنش به این خرابی ها آنها را عادی و غیر قابل پیش بینی دانست!

براساس گزارش های منتشر شده در فضای مجازی و رسانه ها، در اولین حادثه در خط ۴ مترو، یکی از قطارها صبح دیروز حدود ۱۵ دقیقه در تونل میان ایستگاه های دروازه دولت و شهدا و مسیر شرقی به غرب به دلیل نقص فنی متوقف شد. توقف طولانی قطار در تونل باعث نگرانی شهروندان حاضر در واگن ها شد.

هرچند شرکت بهره برداری متروی تهران در این باره توضیح رسمی ارائه نکرد، اما با وجود نگرانی شهروندان حاضر در واگن ها این نقص فنی در حدود ۱۵ دقیقه بعد مرتفع شد و قطار به راهش ادامه داد.

اما این پایان اختلال های مترو تهران نبود؛ تقریباً همزمان با اختلال در خط ۴ مترو، در خط ۵ مترو (تهران - کرج) نیز اختلالی جدی تر رخ داد. به گفته مسافران، یکی از قطارها در نزدیکی ایستگاه چیتگر بیش از نیم ساعت با درهای بسته متوقف ماند و هیچ پاسخی از سوی مسئولان یا سیستم هشدار اضطراری به مسافران نگران داده نشد.

اختلالی که حدود نیم ساعت به طول انجامید و باعث شد تا بسیاری از مسافران برای خروج، ناچار به استفاده از درب اضطراری و ورود به حریم ریلی شوند. رخدادی که تصاویر زیادی از آن در فضای مجازی منتشر شد که حکایت از آن داشت که مسافران بعد از پیاده شدن؛ با پای پیاده در حال حرکت در مسیر خطوط مترو و خارج شدن از ایستگاه هستند. به گفته برخی از حاضران در این صحنه، هجوم مسافران برای گرفتن تاکسی اینترنتی و رسیدن به مقصد یا محل کار باعث شده بود تا آوا تاکسی در این محدوده به شدت نایاب و در عین حال کرایه های ثبت شده نیز چندین برابر شود!

علاوه بر انتشار تصاویر مرتبط با خرابی مترو در دو خط تهران، فضای مجازی پر شد از اظهار نظر ها و انتقادات شهروندان. یکی از کاربران در صفحه توئیتر خود نوشت: امروز حدود ساعت ۱۱ سر کارم رسیدم، چون اسنپ و تپسی گیر نمی امد. بعد هم که بالاخره یک ماشین پیدا شد مجبور شدم سه برابر قیمت معمول کرایه بدهم تا زودتر برسم اداره. تازه وقتی رسیدم به خاطر دیر رسیدن، توبیخ هم شدم!

یکی دیگر از کاربران نیز به طعنه خطاب به شهردار تهران نوشته بود: شهردار تهران را با مترو و با سلام و صلوات در «چین» این طرف و آن طرف می برند و اینجا، ما مجبوریم از قطار فرار کنیم تا نکنند خطری تهدیدمان کند!

اطلاعیه نصفه و نیمه

در این میان تنها اطلاعیه ای که شرکت بهره برداری متروی تهران و حومه صادر کرد به حادثه دوم با می گشت. گویا از حادثه خط ۴ بی خبر بوده باشند! این شرکت در اطلاعیه خود اعلام کرد که این اختلال به دلیل نقص فنی در تامین برق ناوگان خط ۵ در محدوده ایستگاه اتمسفر رخ داده است.

در این اطلاعیه آمده است: از ساعت ۸:۱۶ صبح، حرکت قطارها در مسیر گلشهر به تهران به صورت موقت متوقف شد؛ تیم های فنی بلافاصله در محل حاضر شده به عیب یابی و رفع مشکل پرداختند، تا زمان بازگشت سرویس به حالت عادی، شهروندان می توانند از سایر سامانه های حمل و نقل عمومی استفاده کنند!

هادی زند، مدیر ارتباطات و امور بین الملل شرکت بهره برداری متروی تهران نیز، ساعتی بعد، از رفع کامل اختلال در خط ۵ خبر داد و گفت: این نقص فنی که از ساعت ۸:۱۶ صبح رخ داد، با تلاش بی وقفه تیم های فنی در ساعت ۸:۵۲ صبح برطرف شد و سرویس دهی در این خط به وضعیت عادی بازگشت.

طبیعی است

اما از بدشناسی شرکت مترو، این دو حادثه همزمان شد با جلسه شورای شهر تهران. بعد از انتشار اخبار این حوادث، مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران در واکنش به این حوادث گفت: تلاش بر این است که قطارها اورهال عزیزمان دیگر دچار چنین مشکلاتی نشوند.»

رضا جبّاری :به وحید هاشمیان به اندازه اسماعیل کار تال فرصت بدهید

پرسپولیس حالا می تواند یک نفس راحت بکشد

او درباره استعفای نزدیکان رضا درویش نیز تصریح می کند: چند سالی می شود که این گروه اختیار باشگاه پرسپولیس را به دست گرفته و بیشترین حواشی را به بار آورده‌اند. پرسپولیس اگر در این سال ها افتخاری به دست آورده به لطف درایت و دانش برانکو ایوانکوویچ و یحیی گل محمدی بوده است که توانستند نتایج خوبی بگیرند و جام‌ها را یکی پس از دیگری فتح کنند. فراموش نکنید اوسمار ویرا هم با یحیی گل محمدی به پرسپولیس آمد و به لطف تجربی که کنار او کسب کرده بود تیمش را قهرمان لیگ بیست و سوم کرد.

پیشکسوت پرسپولیس ادامه می دهد: کارنامه رضا درویش را باید با انتخاب خوان کارلوس گاریدو اسماعیل کار تال ستجید همه دیدیم پرسپولیس که در همه این سال ها راحت قهرمان لیگ بر تر می شد چگونه حتی یک جام هم با تصمیمات رضا درویش در لیگ بیست و چهارم نگرفت. حالا دوستانش جام ها را به نام او سند می زنند در حالی که همه می دانیم در پرسپولیس چه خبر بوده است.

رضا جبّاری ضمن اشاره به نقل و انتقالات تابستانی رضا درویش در پرسپولیس یادآور می شود: در پایان فصل گذشته دست پرسپولیس از همه جام‌ها کوتاه

هافبک تکنیکی پرسپولیس در دهه ۸۰ می گوید که رضا درویش به خواست خودش از این باشگاه نرفته است.

با اعلام رسمی باشگاه پرسپولیس، استعفای رضا درویش مورد پذیرش قرار گرفته و او از سمت مدیرعاملی فرمزا کنار رفت.

رضا درویش مدیرعامل باشگاه پرسپولیس پس از بازی مقابل خیبر، استعفای خود را تقدیم هیئت مدیره کرد و هیئت مدیره باشگاه ضمن تقدیر و تشکر از زحمات ایشان در طی دوران تصدی مدیریت باشگاه با استعفای او موافقت کرد. طبق تصمیم اعضای هیئت مدیره، پیمان حدادی، رئیس هیئت مدیره به عنوان سرپرست مدیرعاملی انتخاب شد.

رضا جبّاری که منتقد شماره یک رضا درویش بود درباره استعفای مدیرعامل سابق باشگاه پرسپولیس می گوید: به نظر من رضا درویش با پای خودش نرفت و استعفا را هم از روی اجبار داد. واقعیت این است که او به خواست و با اعتراض هواداران پرشمار پرسپولیس مجبور شد از این باشگاه برود. اگر دست خودش بود می خواست مادام‌العمر مدیرعامل باشگاه پرسپولیس بماند اما حالا با رفتن برخی ها بالاخره پرسپولیس می تواند نفس راحتی بکشد.

ویژه

داد کان، مایلی کهن یا عابدینی؟

سه نامزد بر ای جانشینی علی پروین!

علی پروین پس از چند سال همکاری با شرکت پیشکسوتان کهن مخالفت کرده و شرکت جدا شد.

شرکت پیشکسوتان پرسپولیس با انتشار بیانیهای، خروج علی پروین از این مجموعه را رسماً اعلام کرد.

شرکت پیشکسوتان کهن پرسپولیس در این رابطه نوشت:

«با توجه به درخواست جناب آقای علی پروین مبنی بر خروج از شرکت پیشکسوتان پرسپولیس، پس از مذاکرات صورت گرفته و با تشکر فراوان از سال ها تلاش بی وقفه ایشان، این امر محقق و ایشان از این مجموعه جدا شدند. ایشان همواره به عنوان یک بزرگ و اسطوره باشگاه پرسپولیس، در بزرگ‌ها و هر جا که نیاز باشد، مورد حمایت این شرکت خواهد بود. اصولاً شرکت پیشکسوتان با توجه به هدف گذاری خود از بدو تأسیس، در خدمت پیشکسوتان گرامی بوده و از این پس هم هر جا که نیاز باشد در خدمت ایشان یا هر پیشکسوت دیگری در حد توان خود خواهد بود.»

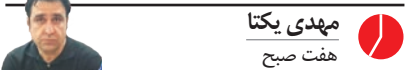
در همین ارتباط یک منبع موثق و نزدیک به باشگاه پرسپولیس به ما خبر داد که همه چیز به مصاحبه مر ترضی فنونی زاده در مراسم خاکسپاری مرحوم منوچهر شفقیتیان بر می گردد.

مراسم خاکسپاری زنده یاد منوچهر شفقیتیان مدافع چپ سال های دور پرسپولیس در قطعه خانوادگی این مرحوم در بهشت زهرا در حالی

حکایت شنیدنی میثم منیعی از ناصر حجازی اسطوره باشگاه استقلال

از شوخی تلخ تادرس اخلاق در تمرین استقلال

ناصر حجازی با جمله ای کوتاه به شاگردانش نشان داد بزرگی در بخشش و آرامش است، نه در عصبانیت و انتقام



مرحوم ناصر حجازی اسطوره باشگاه استقلال یکی از مربی —معلم های فوتبال ایران بود که همواره به شاگردانش درس جدیدی ارائه می داد.

میثم منیعی چپ پای سابق استقلال و یکی از شاگردان قدیمی زنده نام حجازی در تحریریه هفت صبح تعریف می کرد:

«روزی علیرضا منصوریان کاپیتان آن روزهای تیم استقلال با مرحوم ناصر حجازی سرمربی تیم مشغول صحبت بود و من هم وارد شدم. کاپیتان تیم ضمن ابراز گلایه از اصغر حاجیلو حرف هایی به ناصر خان زد و گفت که جایی بوده و عمو اصغر زیرآب آقای حجازی را زده است. علی منصور گرم صحبت بود و ناصر خان هم فقط گوش می کرد. وقتی صحبت های کاپیتان تیم استقلال تمام شد، ناصر خان جمله ای به منصور یان گفت که هنوز در گوش من زنگ می زند. خدایبارمز حجازی ضمن آرام کردن علیرضا منصوریان به او گفت که اگر اصغر حاجیلو زیرآب من را بزند خیلی بهتر است تا اصغر حمومی! بگذارید فوتبالی ها علیه من کار و صحبت کنند نه اینکه هر از گرد راه رسیدهای بخواد حجازی را بزند و... از آن جمله طلایی ناصر خان خود من خیلی درس گرفتم.»



حوادث

زن جوان که متهم بود با همدستی مرد غریبه شوهر خود را کشته، اتهامش را گردن نگرفت

مسمومیت مرگبار شوهر بعد از خیانت همسرش

تحقیقات پلیس از اختلافات خانوادگی و رابطه پنهانی لادن با مردی به نام یاسر پرده برداشت و از اینجافرضیه جنایت قوت گرفت



اسفند ماه سال ۱۴۰۱ مرد جوانی با مسمومیت بالا به یکی از بیمارستان های تهران منتقل شد اما به رغم تلاش کادر درمان برای نجات جانش و خامت حالش به حدی بود که جان باخت. در حالی که کادر درمان مرگ این مرد جوان به نام مسعود را مشکوک تشخیص دادند در گزارشی به پلیس پایتخت این موضوع را اعلام کردند و به این ترتیب رسیدگی به موضوع در دستور کار تیم جنایی قرار گرفت. بازپرس جنایی با حضور در سردخانه بیمارستان بالای سر جسد مسعود رفت و تحقیقات ابتدایی کلید خورد. سپس جسد برای انجام آزمایشات و معاینات دقیق به پزشکی قانونی منتقل شد.

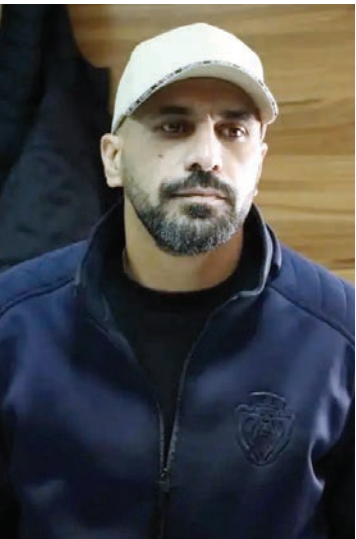
اولین تحقیقات

در بررسی های ابتدایی مشخص شد که مسعود در منزل شخصی خود دچار مسمومیت شده بود و به این ترتیب نوک پیکان اتهام سمت همسر او به نام لادن چرخید و ماموران جنایی همسر مقتول را تحت نظر گرفتند.

تحقیقات نامحسوس پلیس حکایت از اختلافات دنباله دار بین مسعود و لادن داشت. همچنین در ادامه مشخص شد که لادن از مدتی قبل از فوت همسرش با مرد غریبه ای به نام یاسر در ارتباط است.

این در حالی بود که خانواده مسعود بعد از مرگ او با مراجعه به مراجع قضایی گفتند: «بعد از فوت مسعود همسایه های شان با ما تماس گرفتند و می گویند که لادن در حالی که هنوز چهلم شوهرش هم سر نسیده با مرد غریبه ای رفت و آمد دارد. ما موضوع را پیگیری کرده و متوجه روابط مرز او شدیم برای همین به لادن شک داریم و حدس می زنیم به علت اختلافات شدید با مسعود بلای سی او آورده باشد.»

با شکایت خانواده مسعود، تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز شد و تیم جنایی در تحقیقات روابط زن جوان را زیر نظر گرفتند، از سویی پزشکی قانونی نیز نظریه سم شناسی را اعلام کرد و طبق نظریه کارشناسان مرد میانسال بر اثر مسمومیت



رضا جبّاری درباره انتخاب پیمان حدادی به عنوان سرپرست مدیرعاملی باشگاه پرسپولیس نیز می گوید: عادت ندارم آدم ها را قضاوت کنم و اعتقاد دارم باید عملکرد افراد مورد داوری قرار بگیرد. نظر خاصی درباره این انتخاب ندارم و امیدوارم پیمان حدادی ولو به عنوان سرپرست موقت جوری کار کند که آرامش و اعتماد به نفس به تیم پرسپولیس بازگردد.

ویژه

داد کان، مایلی کهن یا عابدینی؟

علی پروین پس از چند سال همکاری با شرکت پیشکسوتان کهن مخالفت کرده و شرکت جدا شد.

شرکت پیشکسوتان پرسپولیس با انتشار بیانیهای، خروج علی پروین از این مجموعه را رسماً اعلام کرد.

شرکت پیشکسوتان کهن پرسپولیس در این رابطه نوشت:

«با توجه به درخواست جناب آقای علی پروین مبنی بر خروج از شرکت پیشکسوتان پرسپولیس، پس از مذاکرات صورت گرفته و با تشکر فراوان از سال ها تلاش بی وقفه ایشان، این امر محقق و ایشان از این مجموعه جدا شدند. ایشان همواره به عنوان یک بزرگ و اسطوره باشگاه پرسپولیس، در بزرگ‌ها و هر جا که نیاز باشد، مورد حمایت این شرکت خواهد بود. اصولاً شرکت پیشکسوتان با توجه به هدف گذاری خود از بدو تأسیس، در خدمت پیشکسوتان گرامی بوده و از این پس هم هر جا که نیاز باشد در خدمت ایشان یا هر پیشکسوت دیگری در حد توان خود خواهد بود.»

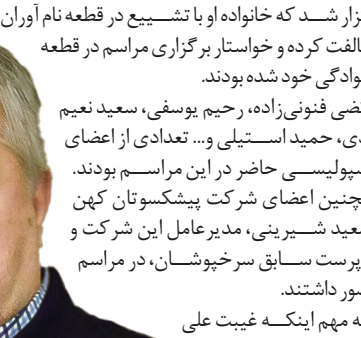
در همین ارتباط یک منبع موثق و نزدیک به باشگاه پرسپولیس به ما خبر داد که همه چیز به مصاحبه مر ترضی فنونی زاده در مراسم خاکسپاری مرحوم منوچهر شفقیتیان بر می گردد.

ویژه

داد کان، مایلی کهن یا عابدینی؟

کلاهر دار مترو در ایستگاه شلوغ به دام افتاد

و چندین کارت بانکی متعلق به افراد مختلف کشف شد. بررسی های بعدی نشان داد که او پیش تر نیز به اتهام تحصیل مال نامشروع تحت تعقیب مراجع قضایی بوده و سابقه کفیری در پرونده دارد.» در ادامه تحقیقات، تصویر متهم در اختیار شکات قرار گرفت و تمامی آنان وی را به عنوان همان فردی که در ایستگاه های مختلف به بهانه کمک، کارت هایشان را جابه جا کرده بود، شناسایی کردند. بررسی دوربین های مدار بسته نیز این ادعا را تایید کرد و مشخص شد متهم طی هفته های گذشته در چندین ایستگاه دیگر از جمله تئاتر شهر، دروازه دولت و صادقیه نیز دست به سرقت مشابه زده بود. فرمانده یگان انتظامی مترو در پایان خاطر نشان کرد: «با تشکیل پرونده مقدماتی، متهم برای انجام بازجویی های تکمیلی و سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شد. به شهروندان نیز توصیه می شود هنگام استفاده از دستگاه های فروش بلیت و عملیات بانکی در فضاهای عمومی، از در اختیار گذاشتن کارت و رمز خود به افراد ناشناس خودداری کنند و در صورت مشاهده هرگونه رفتار مشکوک، موضوع را فوراً به ماموران پلیس اطلاع دهند.»



ظاهر مخالفت مدیران شرکت پیشکسوتان کهن پرسپولیس با لغو عضویت مر ترضی فنونی زاده، واکنش علی پروین را به دنبال داشته و او عطای همکاری را به لغایش بخشیده است.

از محمد داد کان، محمد مایلی کهن بازیکنان اسبق پرسپولیس و امیر عابدینی مدیرعامل پیشین این باشگاه به عنوان گزینه های جانشینی علی پروین در شرکت پیشکسوتان کهن پرسپولیس یاد می شود.

ویژه

داد کان، مایلی کهن یا عابدینی؟

علی پروین پس از چند سال همکاری با شرکت پیشکسوتان کهن مخالفت کرده و شرکت جدا شد.

شرکت پیشکسوتان پرسپولیس با انتشار بیانیهای، خروج علی پروین از این مجموعه را رسماً اعلام کرد.

شرکت پیشکسوتان کهن پرسپولیس در این رابطه نوشت:

«با توجه به درخواست جناب آقای علی پروین مبنی بر خروج از شرکت پیشکسوتان پرسپولیس، پس از مذاکرات صورت گرفته و با تشکر فراوان از سال ها تلاش بی وقفه ایشان، این امر محقق و ایشان از این مجموعه جدا شدند. ایشان همواره به عنوان یک بزرگ و اسطوره باشگاه پرسپولیس، در بزرگ‌ها و هر جا که نیاز باشد، مورد حمایت این شرکت خواهد بود. اصولاً شرکت پیشکسوتان با توجه به هدف گذاری خود از بدو تأسیس، در خدمت پیشکسوتان گرامی بوده و از این پس هم هر جا که نیاز باشد در خدمت ایشان یا هر پیشکسوت دیگری در حد توان خود خواهد بود.»

در همین ارتباط یک منبع موثق و نزدیک به باشگاه پرسپولیس به ما خبر داد که همه چیز به مصاحبه مر ترضی فنونی زاده در مراسم خاکسپاری مرحوم منوچهر شفقیتیان بر می گردد.

مراسم خاکسپاری زنده یاد منوچهر شفقیتیان مدافع چپ سال های دور پرسپولیس در قطعه خانوادگی این مرحوم در بهشت زهرا در حالی

علی پروین پس از چند سال همکاری با شرکت پیشکسوتان کهن مخالفت کرده و شرکت جدا شد.

شرکت پیشکسوتان پرسپولیس با انتشار بیانیهای، خروج علی پروین از این مجموعه را رسماً اعلام کرد.

شرکت پیشکسوتان کهن پرسپولیس در این رابطه نوشت:

«با توجه به درخواست جناب آقای علی پروین مبنی بر خروج از شرکت پیشکسوتان پرسپولیس، پس از مذاکرات صورت گرفته و با تشکر فراوان از سال ها تلاش بی وقفه ایشان، این امر محقق و ایشان از این مجموعه جدا شدند. ایشان همواره به عنوان یک بزرگ و اسطوره باشگاه پرسپولیس، در بزرگ‌ها و هر جا که نیاز باشد، مورد حمایت این شرکت خواهد بود. اصولاً شرکت پیشکسوتان با توجه به هدف گذاری خود از بدو تأسیس، در خدمت پیشکسوتان گرامی بوده و از این پس هم هر جا که نیاز باشد در خدمت ایشان یا هر پیشکسوت دیگری در حد توان خود خواهد بود.»

در همین ارتباط یک منبع موثق و نزدیک به باشگاه پرسپولیس به ما خبر داد که همه چیز به مصاحبه مر ترضی فنونی زاده در مراسم خاکسپاری مرحوم منوچهر شفقیتیان بر می گردد.

